

بررسی جایگاه پژوهش‌های کیفی در روش‌شناسی علوم انسانی

حسین خنیفر* / نفیسه زروندی** / جواد زروندی***

چکیده

امروزه پژوهشگران برای بررسی پدیده‌های پیرامون، به انتخاب روش تحقیق می‌پردازند. در دهه‌های اخیر رویکرد کمی در قلمرو پژوهش‌های علوم انسانی، تسلط زیادی داشته است؛ اما از آنجایی که تمام پدیده‌های علوم انسانی به‌ویژه پدیده‌هایی که با رفتار انسانی سروکار دارند را نمی‌توان به شیوه کاملاً عینی مشاهده نمود، محققان پژوهش‌های کیفی را نیز مورد توجه و بررسی قرار داده و تلفیقی از هر دو روش را تحت عنوان روش ترکیبی پیشنهاد می‌کنند. در این مقاله سعی شده است به بررسی دو رویکرد پژوهشی مطرح در روش‌شناسی علوم انسانی پرداخته شود. در این راستا برخی از دشواری‌های پژوهش‌های کمی که منجر به ناکامی آنها در پژوهش‌های علوم انسانی شده است، مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: روش تحقیق، رویکرد کمی، رویکرد کیفی، علوم انسانی

* دانشیار دانشگاه تهران.

** کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه تهران.

*** پژوهشگر اجتماعی و کارشناسی ارشد الهیات.

دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۰/۰۲/۰۱

nzarvandi@yahoo.com

jzarvandi@yahoo.co.uk

مقدمه

انسان از دیرباز به دنبال اصولی مشترک برآمده است تا با استفاده از آن اصول، محیط پیرامون خود را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار دهد. دانشمندان در حوزه‌های مختلف پی‌بردند که باید با محققان در ایده‌های مختلف، سهیم شده و در بخش‌های گوناگونی مانند رفتار سازمانی، بازاریابی و استراتژی، مشارکت نمایند.^۱ امروزه همه ما نیازمند آن هستیم که با زبان تئوری با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و زبان تئوری نیز باید مبنای علمی داشته باشد. در این راستا اظهارات علمی باید توسط افراد مختلف، مورد بررسی قرار گیرد. اگر این اظهارات توسط محققان، به شواهد مشخصی دست پیدا نکند، شواهد مربوط به علمی بودن اظهارات، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.^۲ بنابراین انتخاب روش تحقیق و تأکید بر علمی بودن آن دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد.

چیستی پژوهش

دانشمندان در گستره‌های مختلف علمی، در بیان چیستی پژوهش، تعریف‌های گوناگونی آورده‌اند^۳ که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مجموع اقداماتی که برای کشف قسمتی از مشخصات جهان حقیقی انجام می‌گیرد.^۴
 ۲. مجموعه‌ای از فعالیت‌های منظمی که به یافتن نتایج خاصی می‌انجامد، چه‌بسا حاصل آن، بنیادی^۵ یا کاربردی^۶ باشد.^۷
 ۳. بررسی نظام‌یافته، کنترل‌شده، تجربی و انتقادی در پدیدارها که روابط احتمالی بین این پدیده‌ها با نظریه و فرضیه هدایت می‌شود.^۸
- پژوهش در دل تفکر علمی و استنتاج، جای می‌گیرد و رشد و سازماندهی عادات منطقی تفکر کردن را ممکن می‌سازد. کنجکاوی ما در معرفت و روشی است که افراد آن را برای کسب معرفت در مورد ناشناخته‌ها به کار می‌برند و در اصطلاح می‌تواند به عنوان پژوهش نام برده شود.^۹
- در زبان فارسی و عربی کلمه علم به دو معنای متفاوت به کار برده می‌شود. این دو کاربرد عبارت‌اند از:

۱. معنای اصلی و نخستین علم که «دانستن» در برابر «ندانستن» است و به همه دانستنی‌ها با صرف نظر از نوع آنها، علم می‌گویند.

۲. کلمه «علم» در معنای دیگر فقط به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی باشد، علم در این معنا در برابر جهل قرار نمی‌گیرد، بلکه در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که آزمون‌پذیر نیستند.^{۱۰} پژوهش، یک فعالیت علمی است که باید در یک معنای فنی مورد استفاده قرار گیرد.^{۱۱} دین^{۱۲} علم را به‌عنوان یک رویکرد منظم مبتنی بر مجموعه‌ای از قانون‌ها که تعریف‌کننده دانش قابل پذیرش برای کشف دانش است، تعریف می‌کند و بین رویکرد علمی پژوهش با رویکرد غیرعلمی، تمایز قائل می‌شود.^{۱۳}

اساسی‌ترین ویژگی‌های روش علمی عبارت‌اند از:

۱. نظام‌مند بودن^{۱۴}
 ۲. عقلایی بودن:^{۱۵} هر روش باید بر نظمی عقلایی استوار باشد، لذا داده‌هایی که بر پایه عواطف، تخیل یا توهم تنظیم شوند، مورد پذیرش نیستند.
 ۳. روح علمی:^{۱۶} هر روش که مبتنی بر نظمی عقلانی باشد، برخوردار از روح علمی است و خود مستلزم احراز شرایطی چون بی‌طرفی، تسلط بر خوشتن، سعه صدر و تواضع است.
 ۴. واقعیت‌گرایی:^{۱۷} هر روش، زمانی مسیر کشف قانون‌های درست یا نظریه‌های مستحکم را طی می‌کند که از درون‌نگری و شهودگرایی بپرهیزد.^{۱۸}
- پوپر معتقد است که نظریه‌های علمی هرگز به‌صورت کامل قابل اثبات نیست باوجوداین، آزمون‌پذیرند. بنابراین عینیت گزاره‌های علمی در این واقعیت نهفته است که بتوان آنها را به‌صورت بین‌الذّهانی^{۱۹} آزمون نمود.^{۲۰} اعتبار بین‌الذّهانی بدین معناست که اگر مشاهده‌گران مختلفی، داده‌های یکسانی را مورد استفاده قرار دهند، باید به نتایج مشابهی دست یابند.^{۲۱}

ویژگی‌های معرفتی مطالعه تجربی

از هنگام ظهور تفکر پوزیتیویستی، علم به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که بر تجربه مستقیم حسی، مبتنی باشد. اگرچه جایگاه مفهومی که پوزیتیویست‌ها برای علم مطرح کرده‌اند، دگرگونی‌های اساسی یافته است، هنوز هم روش علمی بر تجربه حسی استوار است. شناخت علمی یک پدیدار، به‌عنوان محصول روش علمی، دارای ویژگی‌هایی است که علم را از نظام‌های معرفتی دیگر متمایز می‌سازد:

۱. روش علمی، بر پایه مشاهده و تجربه عینی است. مراد از عینی بودن، مشاهده و تجربه‌ای است که همگانی و تکرارپذیر بوده و همه بتوانند آن را درک و تکرار کنند. به عبارتی دیگر، پایه علم، تجربه حسی همگانی و تکرارپذیر است و تجربه‌های شخصی و ذهنی نسبتاً همگانی و تکرارناپذیر، از حوزه علم خارج است. معمولاً تجربه‌های عرفانی را به عنوان مثالی برای تجربه‌های غیرهمگانی و تکرارناپذیر مطرح می‌کنند؛ اما واقعیت این است که بررسی‌های علمی در خصوص تجربه عرفانی، نشان داده است که اولاً همان‌گونه که استیسی مطرح کرده، ابعاد تجربه عرفانی در فرهنگ‌های مختلف، یکسان است و ثانیاً این تجربه‌ها تا حدودی با انجام تمرین‌ها و آیین خاصی تکرارپذیر و همگانی می‌باشد.^{۲۲} علاوه بر آن، امکان دست‌کاری^{۲۳} پدیده مورد مشاهده و شناسایی عامل تغییر را نیز اضافه کرد که بدیهی است در مورد تجربه عرفانی، مصداق ندارد.

۲. بررسی علمی، همواره بر پایه فرضیه است؛ یعنی مشاهده، تجربه و آزمایش علمی، همواره مسبوق به فرضیه، نظریه و الگوی ذهنی می‌باشد و در واقع، مشاهده در قالب چنین چارچوب‌های ذهنی‌ای که هدایتگر مشاهده است و به آن ماهیتی گزینشی می‌دهد، صورت می‌گیرد. پوپر به این امر در فلسفه علم تصریح کرده است. چنین تفسیری از زمینه‌های اساسی ظهور مفهوم‌سازی پست‌مدرنی و پلورالیستی در علم صورت گرفت زیرا چنین تفسیری تفکیک‌ناپذی بودن ذهنیت و عینیت و فقدان وجود یک عینیت خالص را صحیح می‌داند.

۳. روش علمی، گزینشی است، و جنبه‌ای از جوانب بی‌شمار امور را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین، هیچ‌گاه نمی‌توان با روش علمی، از حقیقت یک پدیده پرده برداشت. در عین حال، گزینشی بودن در روش‌شناسی علمی، به معنای فقدان یک نگرش سیستمی و بررسی یک مؤلفه در سایه ارتباط آن با سامانه مرتبط با خود نیست. گزینشی بودن، مفهومی نسبی است و گاهی ممکن است عنصر یک سیستم با توجه به ارتباط آن با دیگر عناصر سیستم و گاهی نیز رفتار کلی یک سیستم و ارتباط آن با سیستم‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد؛ اما در عین حال هر عنصری در این عالم، خود یک سیستم و در قیاس با سیستم‌های بزرگ‌تر، یک عنصر قلمداد می‌شود. بنابراین، این سخن ناظر بر این امر است که ماهیت گزینشی بودن بررسی علمی می‌تواند عناصر فراتر و فروتر را در برگیرد. برای

مثال، فرد، خود یک سیستم است و درعین‌حال، عنصری از سیستم خانواده و جامعه می‌باشد. در علم، گاهی فرد، گاهی خانواده و گاهی جامعه به‌عنوان عنصر مورد مطالعه، گزینش می‌شود.

۴. تفسیر یافته‌های علمی همواره در سایهٔ تئوری‌ها و قانون‌های علمی صورت می‌گیرد. به عبارت دقیق‌تر، پژوهش‌های گوناگون علمی، در سایه‌سار چارچوب‌های نظری، یکپارچه می‌شود.^{۲۴} این امر، به دانش حاصل از مشاهده و تجربه نظم می‌دهد و پدیده‌ای است که در سایهٔ تئوری‌های علمی حاصل می‌شود. نظریه‌ها راه‌هایی برای سازماندهی افکار و دیدگاه‌های ما هستند و در پرتو آنها، داده‌های جمع‌آوری شده معنی می‌یابد. از این روی، هر بررسی علمی، هم تجربی و عینی است و هم نظری و مفهومی. زیرا هیچ‌یک از آنها بدون دیگری معنی ندارد. این سخن، به یک معنی، ناظر بر این تفسیر کواین از فلسفه است که آن را در آخر انتزاعی و نظری علوم قرار می‌دهد.^{۲۵}

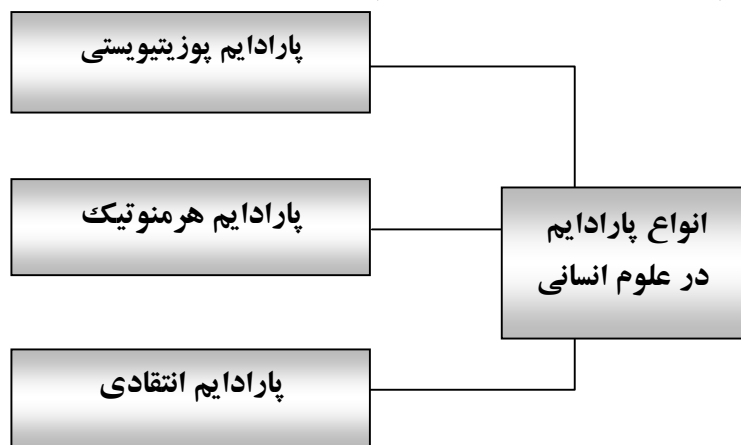
تفاوت موضوعی علوم انسانی با علوم طبیعی

موضوع علوم طبیعی (نظیر فیزیک)، اشیاء خارجی هستند و وجودشان مستقل از انسان است و ساخته ذهن انسانی نیستند. در نتیجه، علم به این دسته از موضوعات، علم به جهت بیرونی آنها و تنها ناظر به ظاهر و پوسته آنهاست. اما موضوع علوم انسانی، خودِ فاعل را نیز در برمی‌گیرد زیرا در این علوم، ما به معرفت تجلیات و مظاهر و آثار انسانی اشتغال داریم و چون آدمیان در هویت بشری با هم مشترک هستند، لذا با شناخت خود و قرار دادن و جایگزینی خود در وضعیت تاریخی موضوع مورد نظر، می‌توان پدیدآورندهٔ آن موضوع را هم شناخته و به درکی مشابه او در ابداع و ایجاد و تألیف آن پدیده، دست یافت. برخی از دانشمندان وجود تفاوت بین موضوع علوم طبیعی و علوم انسانی را موجب ایجاد تفاوت در روش تحقیق در این دو دسته از علوم دانسته و بر این مبنا به طرح ایده تمایز تبیین و فهم در روش علوم طبیعی و انسانی اقدام کرده‌اند. بدین ترتیب از نظر برخی دانشمندان، معرفت در علوم انسانی از طریق جایگزینی خود به جای مؤلف (به معنای عام که هر فاعل انسانی که فعل معناداری را انجام می‌دهد، دربر می‌گیرد) صورت می‌یابد و به‌طور کلی پیش‌فرض هر علم انسانی، وجود قابلیت جایگزین کردن انسان در زندگی ذهنی و درونی دیگران است.^{۲۶}

از دیدگاه برخی دانشمندان «فهمیدن» عبارت است از «کشف تو در درون من» که این امر به دلیل ماهیت مشترک بشری امکان پذیر می گردد.^{۲۷} از این رو در علوم انسانی، هدف این است که آثار پدیدآورندگان واقعیت های انسانی، درک و تفسیر شود و چون فرزندان بشر از هویت یکسان و مشابهی برخوردارند، در نتیجه افعال و آثار بشری به علت بشری بودن، قابل فهم هستند و برخلاف وقایع و حوادث فیزیکی و طبیعی، می توان باطن این افعال را فهمید.^{۲۸}

پارادایم های مطرح در علوم انسانی

برخی پژوهشگران مانند اریکسون و برودی^{۲۹} و چوا^{۳۰} با نظر به مفروض های معرفت شناختی، سه طبقه از پارادایم ها را معرفی می کنند که عبارت اند از: اثبات گرایی، تفسیری و انتقادی.^{۳۱} هر یک از این رویکردها به تعبیر کوهن با پارادایم^{۳۲} مشخص شده اند. همچنین کوهن بر این باور است که در هر زمانی، یکی از پارادایم ها بر جامعه علمی حاکم می باشد. منظور از پارادایم، دستاوردهای علمی مورد پذیرش همگانی است که برای یک دوره زمانی، الگوها، مسائل و راه حل ها را برای جامعه ای از کارورزان فراهم می آورند.^{۳۳} همچنین پارادایم مشتمل است بر مفروضات کلی نظری، و قوانین و فنون کاربرد آنها که اعضای جامعه علمی خاصی آنها را دربر می گیرند. در واقع پارادایم، فعالیت دانشمندان عادی را که سرگرم گشودن و حل معماها هستند، هماهنگ و هدایت می کند.^{۳۴} سه پارادایم در علوم انسانی وجود دارد که شامل پارادایم پوزیتیویستی^{۳۵} (اثبات گرایی)، پارادایم هرمنوتیک^{۳۶} یا تفسیری و پارادایم انتقادی^{۳۷} می باشد.^{۳۸}



شکل (۱) انواع پارادایم در علوم انسانی

۱. پارادایم پوزیتیویستی (اثبات‌گرایی)

مشخصات پارادایم پوزیتیویستی: (۱) پوزیتیویست‌ها، جزئی‌نگر و کمیت‌گرا هستند. (۲) تأکید بر وحدت علوم و استفاده از متدولوژی واحد با تأسی از متدولوژی علوم طبیعی دارند. (۳) پدیدارگرا هستند و به تفکیک «بود» از «نبود» قائل‌اند. (۴) شناخت‌گرا در مقابل عمل‌گرا هستند. (۵) تأکید بر علت دارند (به‌جای دلیل)، اینکه انسان می‌تواند به شرطی‌های عام و قوانین لامکان و لازمان برسد (قانونمند بودن پدیده‌های انسانی) و به تمایز بین منطق اکتشاف و منطق داوری قائل‌اند. (۶) ^{۳۹} آنها جامعه و انسان را پاره‌ای از طبیعت می‌بینند و در پی یافتن نظم قانون‌وار و علی به‌منظور تصرف در اجتماع و معیشت آدمی هستند. (۷) در این دیدگاه، علوم اجتماعی و انسانی بر روند تبیینی خاصی از آن نوع که در علوم طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، استوار هستند. (۸) مشرب‌های تبیین آماری، کارکردی، ساختاری و مادی معیشتی همه از جنس علوم اجتماعی و انسانی، تبیینی از نوع پوزیتیویستی می‌باشند.^{۴۰}

۲. پارادایم هرمنوتیک یا تفسیری

مشخصات پارادایم هرمنوتیک یا تفسیری: (۱) این پارادایم، بر نقش زبان، تفسیر و فهم در علوم اجتماعی بسیار تأکید دارد و بر معنا، انگیزه، دلیل و محیط‌های طبیعی برای فهم و تفسیر چگونگی ساخت و تثبیت دنیای اجتماعی توسط مردم تأکید دارد. (۲) بر متدولوژی کیفی به‌جای متدولوژی کمی تأکید دارند. از این‌رو نظم علوم انسانی با نظم علوم طبیعی متفاوت است.^{۴۱}

۳. پارادایم انتقادی

مشخصات پارادایم انتقادی: (۱) پارادایم انتقادی، جهانی مستقل از معرفت ما، نسبت به آن وجود دارد. (۲) معرفت ما از جهان، خطاب‌بردار و سرشار از تئوری است. (۳) معرفت نه کاملاً متصل و مستمر، به‌مثابه انباشت واقعیات درون یک چارچوب مفهومی پایدار و نه کاملاً منفصل، از طریق تحولات عام و هم‌زمان در مفاهیم، توسعه می‌یابند. (۴) در جهان ضرورتی وجود دارد. (۵) موضوعات - چه طبیعی و چه اجتماعی - الزاماً برخوردار از نیروهای علی با شیوه‌های عمل و قابلیت‌های خاص‌اند. (۶) جهان، تمایز یافته و لایه‌بندی شده است. (۷) پدیده‌های اجتماعی از قبیل کنش‌ها، متن‌ها و نهادها، مفهوم‌محورند. (۸) علم یا تولید هر معرفت دیگر، یک عمل اجتماعی است. (۹) علوم اجتماعی باید نسبت به ابژه یا موضوع

خود انتقادی باشد.^{۴۲} در مورد این قضیه که آیا این پارادایم‌ها یا معرفت‌شناسی‌های بنیادی، باید به صورت جداگانه در پژوهش مدنظر قرار گیرند یا اینکه می‌توانند به صورت جمعی در یک تحقیق حضور داشته باشند، اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد.^{۴۳}

هریک از این پارادایم‌ها دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند. یکی از مهمترین خصوصیات، که غالباً از آن استفاده می‌گردد، روش پژوهشی می‌باشد. برای مثال در پارادایم پوزیتیویستی عمدتاً از روش کمی استفاده می‌شود. گال نیز معتقد است که پژوهش کمی تقریباً مترادف با پژوهش اثبات‌گرا می‌باشد.^{۴۴} درحالی‌که روش پژوهشی رایج در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی، بیشتر روش کیفی می‌باشد. به‌عنوان مثال لاک^{۴۵} به دو پارادایم اساسی انتقادی و تفسیری برای مطالعات کیفی قائل است.^{۴۶} زیرا مطالعه تفسیری، متغیرهای مستقل و وابسته را از قبل تعریف نمی‌کند، بلکه بر پیچیدگی کامل معنابخشی انسان که در وضعیت‌های گوناگون بروز می‌کند، متمرکز است.^{۴۷}

تاریخچه پژوهش کیفی

روش‌های ترکیبی در تحقیق، شامل رویکردهای کیفی و کمی، دارای پیشینه و تاریخی طولانی در اصول مدیریت می‌باشند.^{۴۸} روش کیفی یا تفسیری یا توصیفی یا ژرف‌نگر با وجود قدمت تاریخی‌اش پس از سال‌ها خاموشی در دو دهه اخیر در علوم اجتماعی و علوم رفتاری از اقبال خوبی برخوردار شده است. این روش با فرضیه ساختارمند آغاز نشده یعنی فرضیه‌آزمایی از اصول آن نیست. همچنین آزمایش تستی را دنبال نمی‌کند و قصد اجرای نظریه‌ای را نداشته بلکه بعد از جمع‌آوری اطلاعات، در تحلیل‌ها از نظریه‌ها استفاده می‌کند. اعداد در آن نقش ویژه‌ای ندارند و در مقابل تفسیر و تحلیل عمیق داده‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در صورت خوب انجام یافتن یک تحقیق به روش کیفی، آن تحقیق می‌تواند به تبیین نظریه‌ای جدید منتهی شود.^{۴۹} استفاده از روش کیفی قدمتی تاریخی دارد، ولی شاید در رویکرد جدید علمی و در حوزه علوم اجتماعی بتوان کارهای مارسل موس (بنیان‌گذار مردم‌شناسی) را آغازگر استفاده از این روش دانست. موس در ابتدای قرن گذشته با نگارش کتاب **راهنمای مردم‌نگاری**، سنگ‌بنای روش کیفی با شیوه‌های علمی امروزی را پایه‌ریزی کرد. وی در این کتاب به تفصیل، روش‌های مشاهده و تحقیق جغرافیای انسانی، سازمان اجتماعی، تکنیک، اقتصاد، حقوق، مذهب، علم، زبان،

آداب و هنجارهای جمعی را مورد بررسی قرار داد. تا اوایل نیمه دوم قرن بیستم، بیشترین تحقیقات علوم اجتماعی و علوم رفتاری در کشورهای غربی با روش کمی صورت می‌گرفت. برای مثال، نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشر شده در مجله‌های جامعه‌شناسی آمریکا مبتنی بر تحقیق کمی و بررسی‌های آماری بودند. اما نزدیک به سه دهه است که روش کیفی در اکثر پژوهش‌ها در اروپا از استقبال بیشتری برخوردار شده است. این درحالی است که در این سه دهه، ما شاهد پیشرفت‌های بسیار زیادی در حوزه‌های آمار و رایانه بوده‌ایم.^{۵۰}

فلسفه و ماهیت پژوهش کیفی

پژوهش کیفی روش منظم برای توصیف اجزای شرایط و ویژگی‌هایی درباره پدیده‌های انسانی است که قابل تبدیل به کمیّت نیستند. به عبارتی دیگر پژوهش کیفی، جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌های غنی و روایت‌گونه است به منظور درک عمیق مفاهیم و پدیده‌هایی که به خاطر وجود عامل انسانی در آنها پیچیدگی زیادی دارند. این پژوهش‌ها که مبتنی بر فلسفه پدیدارشناختی بوده، در جایگاه طبیعی خود، با افراد واقعی (نه در محیط تجربی) درباره افرادی تحت کنترل انجام می‌شود، را پژوهش کیفی می‌نامند. ولی تحقیق کمی با داده‌هایی از اندازه‌گیری متغیرهایی سروکار دارد که به آسانی قابل بیان به عدد و رقم بوده و به جهت قابلیت تعمیم در ابعاد جمعیتی بالا به وسیله تکنیک‌های آماری، قابل ارائه و نمایش هستند. این پژوهش‌ها مبتنی بر دیدگاه عینیت‌گرایی و پوزیتیویسم می‌باشد.^{۵۱} تحقیق کیفی، سؤالاتی را مطرح می‌کند تا مفهوم ابعاد و تجربه‌های مختلف زندگی انسان‌ها و محیط اجتماعی آنها بهتر درک شود.^{۵۲} به عنوان مثال، ما نه تنها سؤال می‌کنیم که «چه اتفاقی می‌افتد؟» بلکه این پرسش را هم مطرح می‌کنیم که «مردم چه چیزی را تجربه می‌کنند؟» و اینکه «چرا مردم این کار را انجام می‌دهند؟» و «چرا آنها آنچه را که مورد انتظار و خواست آنهاست، انجام نمی‌دهند؟». این سؤالات، فرصت‌هایی را برای درک بهتر تحقیق کیفی، فراهم می‌سازد.^{۵۳} تحقیق کیفی، رویدادها و تجربه‌هایی را که در یک زمینه وجود دارد با چشم‌انداز تجربه‌های فردی مربوط به آن پدیده، مورد بررسی قرار می‌دهد.^{۵۴} به نظر می‌رسد که روش‌های کیفی، در تحقیقات مبتنی بر نگرش سودمندی و کیفیت جهان پیرامون، مناسب می‌باشد.^{۵۵}

در ادبیات تحقیق کیفی، واژه‌های مختلفی برای تعریف آن ارائه شده است که با رویکرد کیفی بنا شده، تطبیق نمی‌کند.^{۶۶} اما محققان معتقدند که پژوهش کیفی، یک نوع تحقیق و بررسی است که به دنبال توصیف و مشخص کردن اعمال انسان‌ها، به همان صورت که در زندگی آنها آشکار شده است، می‌باشد.^{۶۷} انجام تحقیق، به‌ویژه تحقیقات کیفی، نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها و درگیر شدن در برخی چالش‌های خاص می‌باشد؛ زیرا طبیعت این‌گونه تحقیقات، این‌چنین است.^{۶۸} درحالی‌که پژوهش کمی در پی ارائه تعریف دقیق و روشن اصطلاحات و تولید فرضیه‌هایی است که بتوان آنها را از راه تجربه آزمود و نیز طالب استفاده از خاصیت قیاس‌پذیری و دقت ریاضی است، پژوهش کیفی آنها را نمی‌کند و توجه خود را به ذهنیت در برابر عینیت، واقعیت‌های چندگانه در برابر یک واقعیت، اجماع و هم‌رأیی در برابر حقیقت، خاصیت تفریدی در برابر جنبه تعمیمی و نظایر آن برای فهم واقعیت‌ها، معطوف می‌نماید.^{۶۹}

روش‌های کمی پژوهش، به‌زعم منتقدان، رویکردی تحویلی را به‌کار می‌گیرند و از الگوهای رسمی یا مکانیکی که متضمن وجود فرضیه‌ها درباره زنجیره‌هایی از روابط علی - معلولی است، استفاده می‌کنند. در مقابل، پارادایم بدیلی که رویکردهایی پژوهشی را در بر می‌گیرد، ریشه در پدیدارشناسی^{۶۰} دارند.^{۶۱} چالش‌های مطرح شده درباره روش کمی، مجال را برای بازاندیشی در روش کیفی به‌عنوان روش، فراهم می‌سازد.^{۶۲} به‌رغم طرح بسیاری از تفاوت‌ها میان پژوهش‌های کمی و کیفی، مناقشه اصلی میان این دو، مناقشات فلسفی است. مفروض‌های فلسفی یا پارادایم نظری پژوهشگر در مورد ماهیت واقعیت در درک چشم‌انداز کلی طرح مورد مطالعه و روش اجرای آن بسیار تعیین‌کننده است.^{۶۳} فهم تفاوت‌های معرفت‌شناختی بین پارادایم‌های پژوهشی، اصولاً فعالیت فلسفی می‌باشد.^{۶۴}

به‌گمان دابسون^{۶۵} لنزهای نظری پژوهشگر نقش مهمی در انتخاب روش‌ها، بازی می‌کند. به‌دلیل اینکه نظام باور پژوهشگر (مفروض‌های هستی‌شناختی) به‌طور عمده‌ای روی انتخاب روش، اثر می‌گذارند.^{۶۶} دیدگاه یا روش کیفی یا پارادایم کیفی^{۶۷} قدمتی تاریخی دارد. مارسل موس، بنیان‌گذار مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی، در ابتدای قرن گذشته با نگارش کتاب *راهنمای مردم‌نگاری*، سنگ‌بنای روش کیفی با شیوه‌های علمی رایج را پایه‌ریزی کرد.^{۶۸}

پژوهش کیفی بر آن‌گونه از روش‌های تحلیل و تبیین استوار است که در آنها به درک عمیق، پیچیدگی، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید شود.^{۶۹} در واقع از جهت مخالفت با روش‌های پوزیتیویستی، روش کیفی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش کیفی این است که رویدادی را شرح دهد.^{۷۰} در مورد شیوه اندازه‌گیری نیز پژوهشگران کیفی به‌جای ساخت ابزارهایی ثابت یا مجموعه‌ای از سؤالات لایتغیر، سؤالاتی مولد و قابل‌تغییر را برای انجام پژوهش خود به‌کار می‌گیرند که در مسیر انجام مطالعه و در بافت با توجه به شرایط و موقعیت، تکامل می‌یابد.^{۷۱}

با توجه به آنچه بیان شد، وجوه اصلی تمایز پژوهش‌های کمی و کیفی را می‌توان بر اساس جدول زیر بیان نمود:

شیوه کمی	شیوه کیفی
سنجش امور عینی ^{۷۲}	ساخت واقعیت اجتماعی و معنای فرهنگی ^{۷۳}
تمرکز بر متغیرها ^{۷۴}	تمرکز بر فرآیندهای تعاملی، رویدادها ^{۷۵}
کلیدی بودن اعتبار (پایایی) ^{۷۶}	کلیدی بودن اصالت (صحت) ^{۷۷}
فارغ از ارزش ^{۷۸}	ارزش‌ها حضور دارند و بارزند ^{۷۹}
مستقل از زمینه ^{۸۰}	محدود به موقعیت ^{۸۱}
موارد یا آزمودنی‌های زیاد ^{۸۲}	موارد یا آزمودنی‌های کم ^{۸۳}
جدا شدن محقق ^{۸۴}	درگیر شدن محقق

جدول (۲) شیوه کمی در مقابل شیوه کیفی^{۸۵}

نقدهای وارد بر الگوی پژوهش کمی

پژوهش کمی، همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، به تعیین کمیت و شمارش پدیده‌هایی تحت شرایط گوناگون، مربوط می‌شود.^{۸۶} این تحقیقات همواره با سؤالاتی نظیر چه مقدار؟ چه تعداد؟ و چه موافقی؟ مرتبط می‌باشد.^{۸۷} پژوهش‌های کمی در حوزه علوم انسانی بر پایه جهان‌بینی پارادایم خردگرایانه قرار دارند. فرض اساسی این پارادایم، بیان می‌دارد که واقعیت چیزی است که فرد می‌تواند به‌وسیله حواس خود آن را تجربه نماید.^{۸۸} در واقع الگو و ماهیت پژوهش کمی در علوم انسانی و رفتاری، از علوم مادی و فیزیکی گرفته شده است و هدف آن نیز ایجاد و انشاء نظریه و اصول آن، با بررسی صحت این دو می‌باشد.^{۸۹} این درحالی است که بسیاری از صاحب‌نظران با سلطه دیدگاه اثبات‌گرایی در علوم انسانی مخالفت می‌ورزند. به‌عنوان مثال، هایدگر^{۹۰} معتقد است «به‌وسیله ریاضیات (اعداد و ارقام)

نمی‌توان تمام وجوه چهره پدیده‌ها را شناسایی نمود.^{۹۱} بنابراین آنچه گفته شد، استفاده از زبان ریاضی که در الگوی پژوهش کمی رایج است، به اشتباهات زیر منتهی می‌گردد از جمله:

۱. اشتباه معرفتی^{۹۲}

در پژوهش‌هایی که مبتنی بر الگوسازی ریاضی است، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی درهم آمیخته‌اند و در نتیجه تمایز میان آنچه هست و آنچه با استفاده از این پژوهش‌ها شناخته می‌شود، قابل درک نیست.

۲. اشتباه تجانس^{۹۳}

در این پژوهش‌ها اوصاف مفروض برای گروهی از افراد، قابل اطلاق به انسان‌های دیگری تلقی می‌شود، درحالی‌که اساساً مختصات آنها مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. اشتباه علی^{۹۴}

در پژوهش‌های مبتنی بر الگوسازی ریاضی، الگوهای مشهور رفتار به‌عنوان صورت‌های علی در نظر گرفته می‌شوند.

۴. اشتباه دانش فارغ از ارزش^{۹۵}

این پژوهش‌ها مدعی‌اند که فارغ از ارزش هستند. لذا این پژوهشگران، بار ارزشی فعالیت‌های خود را نادیده می‌گیرند.

۵. اشتباه آینده‌نگری^{۹۶}

در پژوهش‌های مبتنی بر الگوهای ریاضی، اغلب نقطه‌نظرهای گذشته با نقطه‌نظرهای آینده تلفیق می‌شوند.

۶. اشتباه فروکاستی^{۹۷}

در پژوهش‌های تحصیل‌گرایان مشخصات و صفات انسان‌ها به متغیرهای بسیط خلاصه می‌شود و با این تقلیل‌گرایی^{۹۸} تصور می‌شود که از ترکیب آنها می‌توان پدیدارهای انسانی پیچیده را شناخت.

۷. اشتباه جبرگرایانه^{۹۹}

در این پژوهش‌ها، پژوهشگران غالباً قدرت آگاهی و نیز اراده آزاد انسان را در توصیف‌های خود از فعالیت‌ها، نادیده می‌گیرند.

۸. اشتباه عمل‌گرایی^{۱۰۰}

رهیافت پژوهشگران طرفدار الگوسازی ریاضی از پژوهش به‌عنوان فعالیتی عملی است که می‌تواند بدون توجه به مفروض‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، انجام پذیرد.^{۱۰۱}

نتیجه‌گیری

امروزه تحقیقات علوم انسانی، عمدتاً به‌روش‌های کمی روی آورده و کلی‌گرایی باعث غفلت از عمق پژوهش‌های رفتاری و روان‌شناختی و مدیریتی شده است. ظاهراً آمار و ارقام مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران قرار گرفته است؛

اما باید به این نکته توجه داشت که مباحث علوم انسانی و علوم رفتاری با رفتار انسان‌ها در ارتباط است و رفتار، مقوله‌ای بسیار عمیق و نیازمند کاربرد روش‌های کیفی است؛ زیرا انسان‌ها در شرایط مختلف، رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند و بررسی این رفتارها نیازمند توجه دقیق و همه‌جانبه می‌باشد. ازاین‌رو توجه بیشتر به استفاده از روش‌های کیفی در تحقیقات علوم انسانی سبب کسب نتیجه‌های بهتر و مناسب‌تری خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Robert. B Handfield.& Steven. A Melnyk, "The scientific theory - building process : a primer using the case of TQM", *Journal of Operations Management*, v.16, p.321.
2. Gualtiero Piccinini, Hist Stud, Sci Phil, "Epistemic divergence and the publicity of scientific methods", *Studies in History and Philosophy of Science*, N.34, p.597.
۳. رک: زهره سرمد و همکاران، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری.
۴. حمید مصدق، مقدمه‌ای به روش تحقیق، ج ۱، ص ۹۳.
5. Fundamental.
6. Applied.
۷. نادر سیف‌نراقی، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، ص ۱۱.
۸. آلفرد کرلینجر، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، ج ۱، ص ۳۱.
9. C. R, Kothari, *Research Methodology : Methods & Techniques*, p.1-6.
۱۰. رک: غلامرضا خاکی، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی.
11. Kothari, C. R, *Research Methodology: Methods & Techniques* , New Delhi : Wishwa Prakashan.p.1.
12. Dane.
13. R. D Dane, *Research Methods*, p.32.
14. Systematization.
15. Rationality.
16. Scientific Spirit.
17. Realism.
۱۸. غلامرضا خاکی، همان.
19. Intersubjective
۲۰. کارل ریموند پوپر، منطق اکتشاف علمی، ترجمه احمد آرام، ص ۴۰.
۲۱. بختیار شعبانی ورکی، منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی جهت‌گیری نوین، ص ۴۵.
- 22.N. Ghorbani, *Cross-Cutural Comparison of Self –report mystical experience. Paper presented at 51 annual meeting of society for the Scientific study of Religion*.
23. Treatment.
24. R. W Hood, *The Psychology of Religion*
۲۵. احد فرامرز قراملکی، روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، ص ۳۴۰ – ۳۴۱.
26. Paul Ricoeur, *Hermeneutics and the Human Sciences*, Trans By John Thompson, p.49.
27. Mircea Eliade(ed), *Hermeneutics*, The Encyclopedia of Religion. p.282.
۲۸. سیدحمیدرضا حسنی، «مناسبات بین فهم و تبیین در علوم انسانی و علوم طبیعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ص ۹۸ – ۱۰۱.
29. Orlikowski & Baroudi.
30. Chua.
31. M. D Myers, *Qualitative Research in Information Systems*. Association for Information Systems , Retrieved Jan 19.
32. Paradigme.
۳۳. توماس کوهن، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه عباس طاهری، ص ۷۶.
۳۴. آلن.اف چالمرز، چپستی علم درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، ص ۱۰۸-۱۰۹.
35. Positivisme.
36. Hermeneutique.
37. Critical.
۳۸. رک: خسرو باقری، دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت.
۳۹. عماد افروغ، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، ص ۹-۱۰.

۴۰. دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، ص ۲۱-۱۱۳.
۴۱. عماد افروغ، همان، ص ۱۱-۱۲.
۴۲. همان، ص ۱۳-۱۴.
43. Myers, M. D, Op.Cit.
۴۴. مردیت گال و همکاران، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، ج ۱، ص ۶۰.
45. Locke. Etal.
46. L. E Locke, S. J Silverman & W. W Spirduso, *Types of Research, In Booth, Charles and Harrington, Jane*, (Eds)
47. M. D Myers, Op. Cit.
48. Modell. Sven, In defence of triangulation : A critical realist approach to mixed methods research in management accounting, Management Accounting Research, Vol. 20. p.208.
۴۹. مرتضی منادی، «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری»، حوزه و دانشگاه، ص ۸۰.
۵۰. همان، ص ۸۱-۸۲.
۵۱. علیرضا، شمس معطر، «پژوهش کیفی و روایی»، سپید، ش ۱۴۷، ص ۷.
52. Ellie Fossey, Carol Harvey, Fiona McDermott & Larry Davidos, "Understanding and evaluating qualitative research", *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, v. 36, p.717.
53. Sinuff. Tasnim, Cook. Deborah & Giacomini. Mita, "How qualitative research can contribute to research in the intensive care unit", *Journal of Critical Care*, v. 22, p.104-105.
54. Cheryl Bagley Thompson & B.Lee Walker, "Basics of Research (part 12): Qualitative Research", *Air Medical Journal*, v. 2, N. 17, p.65.
55. Mark Waysman & Riki Savaya, "Mixed Method Evaluation: A Case Study", *Evaluation Practice*, v.18, N. 3. p.227.
56. Caelli. Kate, Ray Lynne & Mill. Judy, "Clear as Mud : Toward Greater Clarity in Generic Qualitative Research", *International Journal of Qualitative Methods*, v. 2, N. 2, p.3.
57. Donald E Polkinghorne, "Language and Meaning : Data Collection in Qualitative Research", *Journal of Counseling Psychology*, v.52, N.2, p.137.
58. Glenn A Bowen, "Preparing a Qualitative Research – Based Dissertation : Lessons Learned", *The Qualitative Report*, v. 10, N. 2, p. 208.
۵۹. بختیار شعبانی ورکی، «رنالیسم استعلایی و ثنویت کاذب»، نوآوری‌های آموزشی، ش ۲۰، ص ۶۶-۶۷.
60. Phenomenology.
61. G Webb, "Deconstructing deep and surface : Towards a critique of phenomenography", *Higher Education*, N. 33, p.197
62. T. A. Conklin, "Method or Madness : Phenomenology as Knowledge Creator", *Journal of Management Inquiry*, v. 16, N. 3, p.281.
63. S. E Krauss, "Research Paradigms and Meaning Making : A Primer", *The Qualitative Report*, v. 10, N. 4, p.759.
64. G Webb, Op. Cit, p. 199.
65. Dobson.
66. S. E Krauss, Op.Cit.
67. Remi Hess, & Antoine Savoye, *Lanalyse Institutionelle, Que Saisje?*, p.53.
68. Marcel Mauss, *Manuel Dethnographie*, p.14.
۶۹. حسن پاشا شریفی، و نسترن شریفی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، ص ۲۷۰.
۷۰. کاترین مارشال، و ب. راس من گرچن، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، ص ۵۷.
71. S. E Krauss, Op.Cit, p.760.
72. Measure Objective Facts.
73. Construct Social Reality, Cultural Meaning.

-
74. Focus on Variables.
75. Focus on interactive processes , events.
76. Reliability is Key.
77. Authenticity is Key.
78. Value Free.
79. Values are present and explicit.
80. Independent of context.
81. Situationally Constrained.
82. Many cases , subjects.
83. Few cases , subjects.
84. Researcher is Detached.
85. Cresswell , 1994.
۸۶. سیدعباس میرمالک و همکاران، «پژوهش در جراحی، پژوهش کیفی» (ترجمه و تخلص)، *جراحی ایران*، ش ۴، ص ۱.
87. Gerry Coleman & Oconnor Rory, "Using grounded theory to understand software process improvement: A study of Irish software product companies", *Information and software technology*, No. 49, p.655.
۸۸. زهره سرمد، و همکاران، همان، ص ۷۷.
۸۹. رک: عزت‌الله نادری و همکاران، *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*.
90. Heidegger.
۹۱. رک: وحید بزرگی، *دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل*.
92. Epistemic Fallacy.
93. Homogeneity.
94. Causal Fallacy.
95. Homogeneity.
96. Prospective.
97. Reductive Fallacy.
98. Reductionism.
99. Deterministic Fallacy.
100. Pragmatism.
۱۰۱. بختیار شعبانی ورکی، «رنالیسم استعلایی و ثنویت کاذب»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۲۰، ص ۶۶-۸۶.

منابع

- افروغ، عماد، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، تهران، مؤسسه فرهنگ و دانش، ۱۳۸۰.
- باقری، خسرو، دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، انتخاب و ترجمه، بی‌جا، نقش هستی، ۱۳۷۵.
- بزرگی، وحید، دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل، تهران، نی، ۱۳۷۷.
- پوپر، کارل ریموند، منطق اکتشاف علمی، ترجمه احمد آرام، تهران، سروش، ۱۳۷۰.
- چالمرز، آلن. اف، چستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- حسینی، سیدحمیدرضا، «مناسبات بین فهم و تبیین در علوم انسانی و علوم طبیعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، ش چهل و هفت، تابستان ۱۳۸۵، ص ۹۴-۱۱۴.
- خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، تهران، بازتاب، ۱۳۸۷.
- سرمد، زهره و همکاران، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، آگاه، ۱۳۸۰ و ۱۳۷۸.
- سیف‌نراقی، نادر، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۹.
- شریفی، حسن‌پاشا و نسترن شریفی، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، سخن، ۱۳۸۰.
- شعبانی ورکی، بختیار، منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی جهت‌گیری نوین، مشهد، به نشر، ۱۳۸۵.
- ، «رنالیسم استعلایی و ثنویت کاذب»، نوآوری‌های آموزشی، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۶، ص ۶۵-۸۶.
- شمس معطر، علیرضا، پژوهش کیفی و روایی آن، سپید، ش ۱۴۷، ۱۳۸۸.
- فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵.
- کرلینجر، آلفرد، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران، آوای نور، ۱۳۷۴.
- کوهن، توماس، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه عباس طاهری، تهران، قسه، ۱۳۸۳.
- گال مردیت، والتر بورگ و جویس گال، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، سمت با همکاری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- لیتل، دانیل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۷۳.
- مارشال، کاترین و گرچن، ب. راس من، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
- مصدق، حمید، مقدمه‌ای به روش تحقیق، کرمان، مؤسسه مدیریت کرمان، بی‌تا.
- منادی، مرتضی، «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری»، حوزه و دانشگاه، سال دوازدهم، ش ۴۷، تابستان ۱۳۸۵، ص ۸۰-۹۳.
- میرمالک، سیدعباس و همکاران، «پژوهش در جراحی، پژوهش کیفی (ترجمه و تخلص)»، جراحی ایران، ش ۳۹، زمستان ۱۳۸۵.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران، پدر، ۱۳۶۳.
- Bowen, Glenn A, "Preparing a Qualitative Research – Based Dissertation: Lessons Learned", *The*

Qualitative Report , v. 10, N. 2, 2005

- Kate, Caelli, Lynne, Ray & Mill Judy, "Clear as Mud: Toward Greater Clarity in Generic Qualitative Research", *International Journal of Qualitative Methods*, v. 2 , N. 2, 2003
- Coleman, Gerry & Oconnor. Rory, "Using grounded theory to understand software process improvement: A study of Irish software product companies", *Information and software technology*, N. 49, 2007
- Conklin, T. A, "Method or Madness: Phenomenology as Knowledge Creator" , *Journal of Management Inquiry*, v. 16 , N. 3, 2007, p. 275-287.
- Dane, R. D, *Research Methods*, California, Brooks/ Cole Publishing Co,1990.
- Eliade, Mircea (ed), *Hermeneutics* , The Encyclopedia of Religion, 1990.
- Fossey, Ellie, Harvey, Carol, McDermott, Fiona & Larry Davidos, "Understanding and evaluating qualitative research", *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, V. 36, 2002, p.717-732.
- Ghorbani, N., *Cross-Cutlural Comparison of Self –report mystical experience. Paper presented at 51 annual meeting of society for the Scientific study of Religion* , Huston , Texas, 2000.
- Handfield, Robert. B & Melnyk , Steven. A, "The scientific theory – building process: a primer using the case of TQM", *Journal of Operations Management*,v.16, 1998, p. 321-339.
- Hess, Remi & Savoye, Antoine, *Lanalyse Institutionel , Que Sai?*, Paris, Puf 1993
- Hood, R. W, *The Psychology of Religion* , New Yourk, Guilford Press,1996
- Kothari, C. R, *Research Methodology: Methods & Techniques*, New Delhi, Wishwa Prakashan, 2002.
- Krauss, S. E, "Research Paradigms and Meaning Making: A Primer", *The Qualitative Report*, v. 10 , N.4, December 2005, p.758-770
- Locke, L. E, Silverman, S. J & Spirduso, W. W, *Types of research , In Booth , Charles and Harrington*, ed. Jane, Developing Business Knowledge, Sage Publications Ltd, 2006.
- Mauss, Marcel, *Manuel Dethnographi*, Paris , Petite Bibliotheque Payot, 1992.
- Modell, Sven, "In defence of triangulation: A critical realist approach to mixed methods research in management accounting", *Management Accounting Research*, v. 20, 2009, p.208-221.
- Myers, M. D, Qualitative Research in Information Systems. Association for Information Systems , Retrieved Jan 19 , 2009.
- Piccinini, Gualtiero, Stud, Hist & Phil, Sci, "Epistemic divergence and the publicity of scientific methods", *Studies in History and Philosophy of Science*, N. 34, 2003, p. 597-612.
- Polkinghorne, Donald E, "Language and Meaning: Data Collection in Qualitative Research" , *Journal of Counseling Psychology*, v. 52, N. 2, 2005, p137-145.
- Ricoeur, Paul, *Hermeneutics and the Human Sciences*, Trans By John Thompson, Cambridge, Cambridge University Press, 1990.
- Tasnim Sinuff , Deborah, Cook & Giacomini. Mita, "How qualitative research can contribute to research in the intensive care unit", *Journal of Critical Care*, v. 22, 2007, p 104
- Thompson, Cheryl Bagley & Walker. B.Lee, "Basics of Research (part 12): Qualitative Research", *Air Medical Journal*, v. 2, N. 17, 1988, p.65-70
- Waysman,. Mark & Riki Savaya, "Mixed Method Evaluation: A Case Study", *Evaluation Practice*, v.18, N. 3, 1997, p. 227-237.
- Webb, G, "Deconstructing deep and surface: Towards a critique of phenomenography", *Higher Education*, N. 33, 1997, p.195-212.